



Analysis of thematic networks of Qanon Newspaper: Reforming Iran with "Jamee Adamiyat"

Seyed Esmaeil Masoudi^{1✉} 

1. Corresponding Author, Assistant Professor of Sociology, Sociology Department, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: se.masoudi@hafez.shirazu.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Mirza Malik Khan's "Qanon Newspaper" is known as one of the most important works of the Constitutional Revolution. In a way, many intellectuals have referred to its cognition in the activities of the Constitutional Revolution. What social changes from the pre-constitutional period to the post-constitutional period have occurred through which thematic cognition, the study of the scientific "Qanon newspaper" should show. For this purpose, using the Atride-Stirling "Thematic Network Analysis" method, all the thematic networks of this newspaper were discovered, described and interpreted. The findings show that the "Qanon newspaper" has 108 basic themes, 19 organizing themes and 4 global themes. The global themes of "Iran: The most central concern", "Government: The sanctification of the monarchy and the destruction of the state", "Law-seeking: The importance of demand", and "Adamiyat: The combination of doctrine and politics" each formed a thematic network. In addition, combining the advanced version of the Atride-Stirling method, with and deducing from the above 4 global themes, a super-global theme "Iran's reform with the "Jamee Adamiyat"" was discovered and interpreted. The research results also show that, with this name of the newspaper, the law(Qanon) is and the constitution is its content, but the network of main themes in the newspaper is formed around the "Jamee Adamiyat". And the law is only one of the thematic aspects of this "Jamee". "Jamee Adamiyat" is also the main proposed path for reforming Iran, which is from moral and behavioral teachings with directional political actions in accordance with the "principles of Adamiyat".
Article history: Received: 2025-7-23 Received in revised form: 2025-8-15 Accepted: 2025-8-30 Published online: 2025-9-20	
Keywords: Qanon Newspaper, Jamee Adamiyat, Law-seeking, Thematic Network Analysis, super-global theme.	

Cite this article: Masoudi, S.E., (2025) Analysis of thematic networks of Qanon Newspaper: Reforming Iran with "Jamee Adamiyat", *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (1),5-30.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.399189.671332>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.399189.671332>

تحلیل شبکه‌های مضمونی روزنامه قانون: اصلاح ایران با جامع آدمیت

سید اسماعیل مسعودی^۱

۱. استادیار جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول)، بخش جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: se.masoudi@hafez.shirazu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹	
کلیدواژه‌ها:	
روزنامه قانون، ملکم‌خان، جامع آدمیت، قانون‌خواهی، تحلیل شبکه‌های مضمونی، مضمون ابرفراگیر	«روزنامه قانون» میرزاملکم‌خان به‌عنوان یکی مهمترین آثار موثر در انقلاب مشروطه شناخته می‌شود؛ به نحوی که بسیاری از روشنفکران با رجوع به محتوای شناختی آن در فعالیت‌های انقلاب مشروطه مشارکت داشته‌اند. اینکه تحولات اجتماعی از دوران پیشامشروطه تا دوران پسامشروطه از دریچه کدام شناخت مضمونی رخ داده است، بررسی علمی روزنامه قانون را ضروری می‌نماید. به‌همین منظور با استفاده از روش «تحلیل شبکه‌های مضمونی» آتراید-استرلینگ، تمام شبکه‌های مضمونی این روزنامه کشف، توصیف و تفسیر شد. یافته‌ها نشان می‌دهد روزنامه قانون دارای ۱۰۸ مضمون پایه، ۱۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر است. این مضامین فراگیر عبارتند از: «ایران: محوری‌ترین دغدغه»، «حکومت: تقدیس پادشاهی و تخریب دولت»، «قانون‌خواهی: مهمترین مطالبه» و «آدمیت: ترکیب آموزه و سیاست»، که هر کدام یک شبکه مضمونی را تشکیل داده است. علاوه‌براین، براساس نسخه پیشرفته روش آتراید-استرلینگ، با ترکیب و استنتاج از ۴ مضمون فراگیر فوق یک مضمون ابر فراگیر «اصلاح ایران با جامع آدمیت» کشف و تفسیر شد. نتایج تحقیق نیز نشان می‌دهد، با اینکه نام روزنامه، قانون است و قانون‌خواهی مهمترین مطالبه آن است، ولی شبکه مضامین اصلی به کار گرفته شده در روزنامه حول «جامع آدمیت» شکل گرفته است؛ و قانون صرفاً یکی از جنبه‌های مضمونی این جامع است. جامع آدمیت نیز مسیر اصلی پیشنهاد شده برای اصلاح ایران است که ترکیبی از آموزه‌های اخلاقی و رفتاری با کنش‌های سیاست‌ورزانه جهت‌دار (معطوف به بخشی از حکومت یعنی وزرا) مطابق با «اصول آدمیت» است.

استناد: مسعودی، سیداسماعیل؛ (۱۴۰۴). تحلیل شبکه‌های مضمونی روزنامه قانون: اصلاح ایران با جامع آدمیت، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۱)، ۳۰-۵.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.399189.671332>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.399189.671332>

مقدمه و بیان مسئله

بررسی تحولات اجتماعی تاریخی ایران بدون شک نیازمند تحلیل تحولات تاریخ اندیشه ایران است. میشل فوکو (۱۴۰۱) در پروژه فکری خود به دنبال آن بود تا تاریخ اندیشه را در صدر افق‌های علمی - تحلیلی قرار دارد تا مسیر شناخت اجتماعی از مسیر شناخت تاریخ اندیشه بگذرد. کوزلک با طرح «تاریخ مفهوم» نیز در میان همه بررسی‌های تاریخی، «مفهوم» را واجد بهترین مسیر فهم اجتماعی تاریخی می‌داند (کوزلک، ۱۴۰۱).

اکنون ایران و مسائل، چالش‌ها و ترقی‌های نظری و عملی آن ریشه در تاریخ اندیشه ایران دارد. رخدادهای مهم و سرنوشت‌ساز همچون انقلاب مشروطه، هر چند تحولی اجتماعی سیاسی بود اما جز با تحول در اندیشه ایران و ایرانی امکان پذیر نبود. انقلاب مشروطه و تحولات قبل و بعد آن، یکی از پربسامدترین تحولات «اندیشه‌ای» تاریخ معاصر ایران است. به یک باره (در مقیاس تاریخی منظور نظر است) با حجم انبوهی از مفاهیم، پرسش‌ها، چالش‌های فکری و البته پاسخ‌ها مواجه شد. حجم انبوه، ظرف زمان اندک و عمق تاریخی مفاهیم و پرسش‌ها چنان بود که با طیف بسیار متنوعی از پاسخ‌های مهم، بی‌ربط، متناقض، پیشبرنده، پس رونده و ... مواجه شدیم. واکاوی علمی - نظری این روندها، یعنی پرسش‌ها و پاسخ‌های (با امعان نظر به حیث هرمنوتیکی - دیالکتیکی اندیشه که همان پرسش و پاسخ است)، چالش‌های اکنون ایران آشکارتر و به فهم علمی نزدیک‌تر می‌شود.

یکی از موثرترین اندیشه‌های روشنفکری دوران قبل از مشروطه که نقش به سزایی در تحولات اجتماعی سیاسی داشته است، اندیشه میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله (۱۹۰۸-۱۸۳۳ م. / ۱۲۸۷-۱۲۱۲ ش.) است. در میان آثار و رساله‌ها و مکتوبات ملکم، تاسیس و انتشار «روزنامه قانون» (۱۲۶۹ ش) در دوره ناصرالدین‌شاه جایگاه ویژه‌ای دارد.

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در یک خانواده ارمنی تازه مسلمان شده به دنیا آمد (میراحمدی، ۱۳۸۱: ۷). بیشتر سال‌های زندگی خود را در اروپا گذارند و بیشتر اوقات دارای مقام‌های رسمی و دیپلماسی بود. در بازگشت به ایران به عنوان مترجم در دارالفنون مشغول به کار شد؛ در سال ۱۸۵۸ م. «فراموشخانه» را بنیان گذارد و به دلیل فعالیت‌های سیاسی درون و بیرون از فراموشخانه، به ترکیه عثمانی تبعید شد. در دوره سپهسالار، رابزن وی شد؛ فعالیت‌های مداوم او سبب گردید که به مقام سفارت کبرای ایران در لندن نیز دست پیدا کند (حائری، ۱۳۶۴: ۴۰). یکی از نقاط عطف و مهم در زندگی ملکم‌خان، این است که وی مقدمات اعطای امتیاز رویتر را فراهم کرد و به شاه پیشنهاد داد که برای تامین مخارج سفر سوم خود به اروپا، امتیاز لاتاری را به یک شرکت انگلیسی بدهد که به دلیل مخالفت‌هایی در ایران، امتیاز مذکور داده نشد و موجب آبروریزی برای شاه شد و ملکم‌خان نیز برای همیشه از چشم ناصرالدین شاه افتاد. البته بعد از مرگ ناصرالدین شاه و در دوران مظفرالدین شاه، به عنوان سفیر به رم فرستاده شد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند (استادی، ۱۳۹۱: ۵۹۵). در واقع مغضوب شاه شدن، باعث شد که روزنامه قانون را تاسیس کند و به حکومت ایران حمله کند (آدमित، ۱۳۴۰: ۹۸). از نظر هما ناطق (گردآورنده روزنامه قانون) «شاید اگر ملکم را از مقام خود عزل نکرده بودند، شاید اگر امتیاز لاتاری را لغو نمی‌کردند و القاب او را نمی‌گرفتند و خشم او را بر نمی‌انگیختند روزنامه قانون نیز هرگز بوجود نمی‌آمد». (ناطق، ۱۳۵۴، ۱۲). حتی تاسیس روزنامه قانون نوعی انتقام از امین‌السلطان بر شمرده می‌شود به نحوی که در نامه خود به وی می‌نویسد «به جان عزیز شما که شما را ول نخواهم کرد. همانطور که شما آخر عمر مرا سیاه کردید، اول ترقیات شما را زیر و رو خواهم کرد. همانطور که شما آخر عمر مرا سیاه کردید، اول ترقیات شما را زیر و رو خواهم کرد.» (ملکم، به نقل از ناطق)

علاوه بر این، آشنایی ملکم با روزنامه اختر، که قانون‌خواهی یکی از اصلی‌ترین موضوعات آن بود نیز از عوامل تاثیرگذار در تاسیس روزنامه قانون بود. به یک تعبیر «روزنامه اختر پدر روزنامه قانون است» (همان، ۱) و قانون‌خواهی برای اولین بار در روزنامه اختر مطرح شده بود.

به هر ترتیب، سه عامل، دلمشغولی ملکم نسبت به قانون‌خواهی و ترقی ایران، آشنایی نزدیک با روزنامه اختر و عزل از مقام و انگیزه انتقام، سبب تاسیس روزنامه قانون گردید، روزنامه‌ای که با عنوان خود نشان می‌دهد که دلمشغولی موسس آن، ظاهراً بیش از هر چیز قانون و حکومت بوده است (کمال‌طه، ۱۳۵۲: ۸۵). هرچند طی ۲۰۰ رساله‌ای که به گفته خودش منتشر کرده است و مضامین این روزنامه، نشان می‌دهد که موضوعاتی نظیر: امور مالیاتی، جدایی قوا، مجلس شورای دولت، مجلس شورای ملی، تقسیم‌بندی استان‌های ایران، امور دادگستری، بانکداری، مسئولیت وزرا در برابر مجلس، وحدت ملی، صنعت و حرفه نو، تغییر الفبا و ... نیز مورد توجه او بوده است (حائری، ۴۱ و ۴۲).

درباره روزنامه قانون یادداشت‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است؛ اما آنچه مشاهده می‌شود این است که هر کدام از این آثار، به بخشی از روزنامه قانون ارجاع می‌دهند و هر کدام تصویر متفاوتی ارائه می‌دهند. با این حال، این سوال مطرح می‌شود، موضوعات اصلی و دیدگاه‌های مطرح شده در روزنامه قانون کدام هستند و چه نسبتی با یکدیگر دارند و آیا می‌توان آنها را ذیل یک تصویر واحد قرار داد، یا مجموعه‌ای از دیدگاه‌های مختلف و گاه متعارض هست. از همین رو، هدف ما در مقاله؛ بررسی علمی روزنامه قانون، و حرکت میان جزئیات و کلیات آن است تا تصویر واقعی‌تر از این روزنامه حاصل شود. با رسیدن به چنین هدفی، تاریخ اندیشه متبلور شده در تاریخ پیش از انقلاب مشروطه ایران آشکارتر شده و ریشه چالش‌های فکری امروز ما عیان‌تر می‌شود.

روزنامه قانون در سال ۱۲۶۹ ش. (۱۸۸۹ م.) تاسیس شد. هر چند عنوان روزنامه دارد اما به صورت ماهنامه و یا گاهنامه منتشر می‌شد. تعداد ۴۱ شماره (به تعبیر خود روزنامه: نمره) طی سه سال تا سال ... منتشر شد و بعد از آن، انتشار روزنامه متوقف شد. محل انتشار آن لندن و شعار آن «اتفاق، عدالت، ترقی» بود. قیمت اشتراک سالیانه آن تا شماره ۱۱ یک لیره انگلستان بود و بعد از شماره ۱۱ با تعابیر مختلفی از جمله «فهم کافی»، «یک ذره غیرت»، «یک ذره شعور» و «شرط آدمیت» و «زحمت ابلاغ این نسخه به یک آدم دیگر» قیمت‌گذاری شد. در ۵ شماره هم قیمت آن «یک تومان» درج شده بود. این روزنامه اولین بار در سال ۱۳۵۴ توسط هما ناطق گردآوری و به صورت یک کتاب منتشر شد. ناطق یکی از مهمترین مورخان است که در کنار فریدون آدمیت درباره ملکم فعالیت‌های تحقیقاتی انجام داده است.

پیشینه و حساسیت نظری

پیرامون تفکرات و تاثیرات ملکم، قضاوت‌ها و تحلیل‌های ضدونقیضی صورت گرفته است؛ از یک طرف، فریدون آدمیت نقش او را در گسترش عقاید آزادی‌خواهی، «بی‌همتا» می‌داند و می‌گوید: «نوشته‌هایش از تعمق و معرفت به اصول علمی سیاست مدن و فن قانون‌گذاری حکایت می‌کند» (آدمیت، ۱۳۴۰: ۹۹ و ۱۰۰). از طرف دیگر، آبادیان در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم حکومت قانون از دیدگاه میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله»، چنین جمع‌بندی کرده است: «دیدگاه‌های او در مورد قانون، فاقد مبانی نظری است... کلیه مطالب او «توصیه» به رعایت موازین قانونی است... هیچ تعریفی از حق و مفهوم آن ارائه نمی‌کند» (آبادیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۱). مرادخانی نیز نشان می‌دهد اندیشه ملکم کمتر به مبانی فکری آزادی و بیشتر به ذکر مصادیق آزادی پرداخته است (مرادخانی، ۱۴۰۳).

۱۸۶). هم‌چنین حامد الگار^۱ (۱۹۷۳) در نتیجه‌گیری کتاب «میرزا ملکم: پژوهشی در تاریخ مدرنیسم ایرانی»^۲ آورده است که: «او بیش از هر چیز به عنوان ناشر قانون و نویسنده رساله‌هایی درباره مفاهیم سیاسی، اقتصادی و حقوقی مدرن مورد توجه قرار گرفته‌است؛ ماجرای امتیاز لاتاری چندان مورد توجه نبوده‌است. مهم‌تر از آن، سطحی‌بودن اندیشه او که اغلب مبتنی بر ملاحظات مصلحت‌اندیشی بوده و با ژست‌ها و شارلاتان‌بازی‌های^۳ فراوان بیان شده، تقریباً به طور کامل از نظرها پنهان مانده است» (Algar, 2001: 260). لذا از نظر الگار، سویه‌های منفی شخصیت ملکم‌خان و رسوایی‌هایی او، از چشم پژوهشگران پنهان مانده‌است.

سیدجواد طباطبایی نیز معتقد است «تصور او از ظاهر برخی نهادهای سیاسی جدید در کشورهای اروپایی فراتر نمی‌رفت... او اعتنایی به مبانی اندیشه تجدد و «روح قوانینی» که آن نهادها را ایجاد کرده بود، نداشت» (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۰۱)؛ و «تناقض‌گویی» در بیشتر آثار ملکم‌خان برجسته است (همان، ۱۰۴).

در پژوهشی که با عنوان «پان‌اسلامیسم در ایران اواخر قرن نوزدهم»^۴ (۱۹۹۶) منتشر شده‌است در مورد نقش ملکم و روزنامه قانون چنین بیان شده‌است: «ملکم از قانون برای دفاع از وحدت اسلامی استفاده کرد» (Kia, 1996: 36). هر چند این ادعا، موجه است و در روزنامه قانون به طرق مختلف از اسلام و علمای اسلام به وجه مثبت، سخن گفته شده‌است اما باید تحقیق کرد که اسلام در نگاه ملکم‌خان چیست و او چه چیزی از اسلام مراد می‌کند. هم‌چنین آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب» (۱۹۸۲) ذیل فصل مربوط به روشنفکران^۵ به ملکم پرداخته‌است و پس از ارائه مختصری از فعالیت‌های وی، به اهمیت روزنامه قانون و تاثیر آن بر جنبش مشروطه اشاره می‌کند و در مقام جمع‌بندی می‌گوید: «اگرچه ملکم یکی از برجسته‌ترین طرفداران حکومت مشروطه بود، اما ناتوانی‌های ناشی از پیری مانع از مشارکت فعال او در انقلاب مشروطه واقعی شد. هرچند، انقلابیون تهران او را به عنوان مرشد خود می‌ستودند، آثار او را تجدید چاپ می‌کردند و از او مشورت می‌خواستند» (Abrahamian, 2021: 69).

برخی ملکم را می‌توان هم «سیاست‌مدار»، هم «روزنامه‌نگار» و هم یک «متفکر سیاسی» دانست (زاهد، ۱۳۸۵: ۱۱۶)؛ این حکمی است که در مقاله «درخشش روزنامه قانون در میان آثار و افکار میرزا ملکم» بیان گردیده‌است و تایید و رد آن مشروط به تعریفی است که از این مفاهیم می‌شود. اما نکته قابل توجه، تاثیرگذاری ملکم‌خان بر روشنفکران و مردم است که شیوه‌اندیشه سطحی او در مورد قانون، سیاست، دین و حکومت را تداوم می‌بخشد. از نظر هما ناطق «روزنامه قانون تحلیل و عمق رسالات را ندارد و اهمیتش به همین است» چون تاثیرگذاری بیشتری دارد. حتی در مقام مقایسه با روزنامه اختر معتقد است «جامعیت مقالات اختر بیشتر از قانون است. انتقادات اختر بیشتر معطوف به نظام سیاسی ایران است نه به افراد. هم‌چنین روزنامه اختر بی‌طرف‌تر و بی‌غرض‌تر از قانون است. لیکن تاثیر و نفوذ قانون از اختر بیشتر بود و سبک ساده و کلمات تکراری و شعارگونه آن در برانگیختن افکار عمومی سهمی به سزا داشت.» (ناطق، ۱۳۵۴: ۴)

از همین‌رو، با توجه به تفاوت‌های بسیار زیاد تحلیل‌ها درباره روزنامه قانون (و البته اندیشه ملکم)، سوال اصلی تحقیق این است که مضامین اصلی روزنامه قانون در کلیات و جزئیات آن کدام هستند؛ شبکه و روابط میان این مضامین چگونه است و نهایت اینکه آیا می‌توان با یک مضمون کلی معنادار آن را توصیف و تفسیر کرد؟

¹ Hamid Algar

² Mirza Malkum Khan : a study in the history of Iranian modernism

³ charlatanry

⁴ Pan-Islamism in Late Nineteenth-Century Iran

⁵ Intelligentsia

روش تحقیق

در این مقاله از روش‌شناسی کیفی «تحلیل شبکه‌های مضمونی»^۱ آتراید-استرلینگ^۲ (۲۰۰۱) استفاده شده است. این روش‌شناسی به منظور شناسایی، تفسیر و سازماندهی مضامین متنی بکار می‌رود و مضامین آن در سه سطح «مضامین پایه»^۳، «مضامین سازمان‌دهنده»^۴ و «مضامین فراگیر»^۵ در یک ساختار شبکه‌ای در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند. سازماندهی مضامین در قالب شبکه(ها) و سپس تحلیل و تفسیر شبکه(ها) مهمترین بخش این روش‌شناسی است. آتراید استرلینگ در مقاله خود سه مرحله و ششم گام برای انجام تحلیل شبکه‌های مضمونی ارائه کرده است:

جدول شماره ۱: مراحل، گام‌ها و زیرگام‌های روش تحلیل شبکه‌های مضمونی (Attride-Stirling, 2001, 391)

مراحل	گام‌ها	زیرگام‌ها
مرحله اول: کاهش یا تجزیه متن	گام ۱: کدگذاری مطالب	۱. تعیین یک چارچوب کدگذاری
	گام ۲: شناسایی مضامین	۲. تجزیه متن به قطعات متنی براساس چارچوب کدگذاری
		۱. انتزاع کردن مضامین از قطعات متنی کدگذاری شده
		۲. اصلاح مضامین
	گام ۳: ساخت شبکه‌های مضمونی	۱. منظم کردن مضامین
		۲. انتخاب مضامین پایه
		۳. تشکیل مضامین سازمان‌دهنده با بازآرایی مضامین پایه
		۴. استنتاج مضمون (یا مضامین) فراگیر
		۵. تصویرسازی در قالب شبکه(ها)ی مضمونی
مرحله دوم: اکتشاف مضامین	گام ۴: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	۶. تایید و اصلاح شبکه(ها)
	گام ۵: خلاصه سازی شبکه‌های مضمونی	۱. توصیف شبکه(ها)
		۲. کشف شبکه(ها)
مرحله سوم: ادغام اکتشاف‌ها	گام ۶: تفسیر الگوها	خلاصه سازی شبکه(ها)
		تفسیر شبکه(ها)

در این مقاله تلاش شده است دقیقاً براساس همین مراحل و گام‌ها و با دقت مفهومی بالایی شبکه‌های مضامین کشف و تحلیل شوند.

علاوه‌براین، به دلیل آنکه در این تحقیق، ۴ شبکه مضمونی شناسایی شد، ارتباط مفهومی و نظری آنها از اهمیت اساسی برخوردار بود، از همین‌رو، به منظور بررسی نسبت و ارتباط این ۴ شبکه مضمونی، به‌نحوی که بتوان تحلیل جامع‌تر و دقیق‌تری به کلیت «روزنامه قانون» داشت، نسخه پیشرفته‌تر روش تحلیل شبکه مضمونی آتراید استرلینگ را با استفاده مقاله آواکادوی مانو (۲۰۱۷)^۶ را

^۱ Thematic networks analysis

^۲ Jennifer Attride-Stirling

^۳ Basic Themes

^۴ Organizing Themes

^۵ Global Themes

^۶ Mano, A. P. (2017). An innovative approach to sex trafficking research: The methodological advancement of attride-stirling's thematic network analysis.

بکار گرفتیم. مانو در مقاله خود نشان داد که می‌توان سطح چهارم مضمونی را به سه سطح پیشین آتراید استرلینگ اضافه کرد، و آن سطح چهارم «مضمون ابر فراگیر»^۱ است. این سطح می‌تواند شبکه ارتباطی میان مضامین فراگیر را شکل داده، توصیف کرده و تحلیل نماید. به همین منظور، در این تحقیق، ۴ شبکه مضمونی فراگیر را با استفاده در یک مضمون ابر فراگیر ادغام و تحلیل کرده است.



نمواد شماره ۱: ساخت شبکه‌های مضمونی: مضامین پایه – مضامین سازمان دهنده – مضامین فراگیر – مضمون ابر فراگیر (Mano, 2017: 49)

در این تحقیق، مجموع ۴۱ شماره چاپ شده روزنامه قانون بررسی اولیه و مطالعه مروری شد، و سپس ۲۱ شماره آن انتخاب و هر کدام دو بار مطالعه شد. در مراحل و گام‌های روش آتراید-استرلینگ اولین زیرگام تعیین چارچوب کدگذاری است، روش تعیین این چارچوب براساس سوالات تحقیق و حساسیت‌های نظری است (Attride-Stirling, 2001)؛ و لذا براین اساس در این تحقیق، ۱۴ کد تعیین شدند. در گام بعدی، با مطالعه و بررسی ۲۱ شماره روزنامه براساس ۱۴ کد احصاء شده، متن روزنامه تجزیه و تعداد ۲۳۹ قطعه متنی از آن استخراج شد.^۲ گام بعدی مطالعه قطعات متنی و تبدیل آنها به مضمون‌های مشخص است. با منظم کردن مضامین، تعداد ۱۰۸ مضمون پایه شناسایی شد. با بازآرایی مضامین پایه، ۱۹ مضمون سازمان دهنده تشکیل گردید؛ پس از آن با استنتاج نظری از مضامین سازمان دهنده، تعداد ۴ مضمون فراگیر شکل گرفت. تصویرسازی شبکه مضامین با شکل‌گیری مضامین فراگیر و مبتنی بر آنها صورت می‌گیرد؛ بنابراین ۴ شبکه مضمونی کشف گردید. پس از آن، شبکه‌های مضمونی تحلیل و تفسیر شده‌اند و سوالات

^۱ Supra Global Theme

^۲ این توضیح لازم به ذکر است که در بسیاری از مقالات چاپ شده (به‌خصوص در مجلات فارسی) با روش تحلیل مضمونی آتراید استرلینگ، به قطعات متنی، کد اولیه گفته می‌شود و فرایند کدگذاری را به مثابه تجزیه متن به قطعات متنی تصور می‌کنند و به هر قطعی متنی یک کد می‌گویند. اما این فرایند با مقاله اصلی آتراید استرلینگ همخوانی ندارد. در مقاله اصلی، همانطور که در جدول ... نیز آوردم، کد مقوله ای جدا از قطعات متنی است و کدگذاری فرایندی متمایز از تجزیه متن است.

تحقیق با تفسیر شبکه‌های مضمونی پاسخ داده شده‌اند. در گام آخر، مضمون ابر فراگیر با تحلیل ۴ مضمون فراگیر استنباط و استخراج گردید و سوال اصلی تحقیق براساس آن پاسخ داده شد.

به منظور بررسی اعتبار تحقیق، از اعتبار «توافقی»^۱ در تحقیقات کیفی استفاده شده است. در اعتبار توافقی «توافق افرادی که شایستگی اظهارنظر بر یافته‌ها دارند مهم است. اینکه آنان تا چه توافق بر صحت و درستی توصیف، تفسیر و ارزیابی از یافته‌ها وجود دارد، ملاک اعتبار توافقی است» (ایمان، ۱۳۹۰: ۱۷۹). برای بکارگیری اعتبار توافقی در این تحقیق، یافته‌ها و نتایج تحقیق، هم در مرحله شناسایی مضامین و ساخت شبکه مضامین و هم در مرحله تحلیل و تفسیر در اختیار پژوهشگران متخصص قرار گرفته است و اصلاحات آنها اعمال گردید و توافق نهایی حاصل شد.

یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، ۱۰۸ مضمون پایه، ۱۹ مضمون سازمان‌دهنده، مضمون فراگیر و مضمون ابرفراگیر کشف، توصیف و تحلیل شد. تقسیم بندی این مضامین بر حسب شبکه‌های مضمونی به شرح زیر است:

جدول شماره ۲: تعداد مضامین پایه، سازمان‌دهنده، فراگیر و ابرفراگیر بر حسب شبکه‌ها

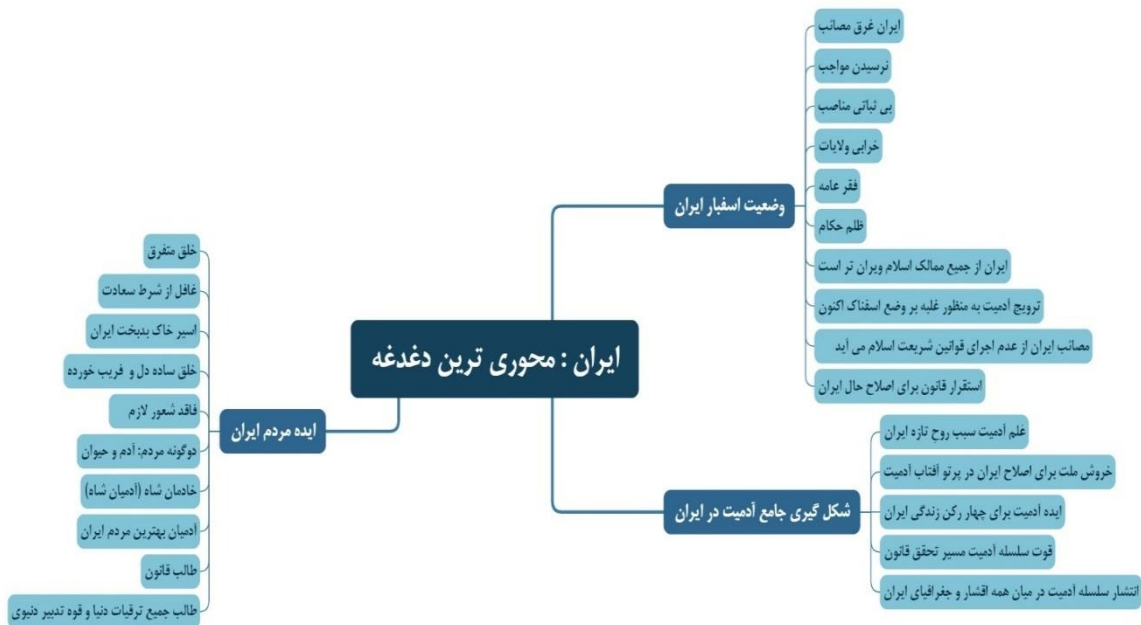
مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر	مضمون ابرفراگیر
۲۵	۳	۱	--
۲۱	۵	۱	--
۲۲	۴	۱	--
۴۰	۷	۱	--
۱۰۸	۱۹	۴	۱

شبکه مضمونی «ایران: محوری ترین دغدغه»^۲

این شبکه مضمونی دارای یک مضمون فراگیر «ایران: محوری ترین دغدغه» و سه مضمون سازمان‌دهنده «وضعیت اسفبار ایران»، «شکل‌گیری جامع آدمیت در ایران» و «آینده مردم ایران» و ۲۵ مضمون پایه است که ترسیم شبکه‌ای آنها به صورت زیر است:

^۱ Consensual

^۲ شیوه تشریح یافته‌ها براساس مقاله اصلی آتراید-استرلینگ این است که شبکه‌ها را براساس مضامین سازمان‌دهنده توضیح دهد. سپس ذیل مضامین سازمان‌دهنده قطعات متنی آورده می‌شود. اما این قطعات متنی باید بگونه‌ای آورده شود که هر کدام یک مضمون پایه را توصیف کند. در این تحقیق دقیقاً همین شیوه پیاده شده است؛ یعنی از آن جهت که در این تحقیق ۱۰۸ مضمون پایه کشف شد، تقریباً ۱۰۸ قطعه متنی هم آورده شده است.



نمودار شماره ۲: شبکه مضمونی «ایران: محوری ترین دغدغه»

مضمون سازمان دهنده «وضعیت اسفبار ایران»:

یکی از مضامین بسیار پرتکرار و با اهمیت برای روزنامه قانون، وضعیت / اسفبار آن زمان ایران بود که تقریباً در تمامی شماره‌های روزنامه به بیان‌های مختلف و متعدد بیان شده است. هر چند مضامین پایه آن در شماره‌های مختلف پراکنده‌اند اما در شماره ۸ صفحه ۱ بسیاری از آنها در کنار یکدیگر با زبانی تلخ و کنایه آمده است:

«کدام گوریست که بر معایب امروز ما هزار بار خون گریه نکرده باشد. نرسیدن مواجب، بی‌ثباتی مناصب، ظلم حکام، خرابی ولایات، پریشانی لشکر، فقر عامه و نزع دولت همه بدیهیات ایست که هر پیره زن در هر گوشه ایران بهزار ناله بیان کرده است...»^۱ علاوه‌براین، برای تشریح این وضعیت اسفبار، ایران را با سایر ملل نیز مقایسه می‌کرد؛ در شماره ۱۸، صفحه ۱:

«ایران از جمیع ممالک اسلام ویران تر است. در زیر آفتاب هیچ طایفه نیست که بقدر اهل ایران فقیر و مستمند باشد.» پیشنهاد عملی که نویسنده(گان) این روزنامه برای غلبه بر این وضعیت و خروج آن ارائه می‌دهند، راه حل ویژه‌ای است که باید در دقیقاً در کنار سایر شبکه‌های مضمونی قرار گیرد تا معنای آن به طور دقیق‌تر روشن شود. در شماره ۲۱ صفحه ۲ نوشته شده: «ترویج آدمیت اولین شرط احیای ملت است. ترویج آدمیت یگانه امید نجات دنیاست»

^۱ در تمامی مواردی که از روزنامه قانون نقل قول مستقیم آورده می‌شود، رسم الخط روزنامه به طور کامل منتقل می‌شود هر چند با رسم الخط کنونی متفاوت باشد.

مضمون ترویج آدمیت اولین شرط تمامی اقدامات اصلاحی برای ایران است، بنابراین از اهمیت اساسی برخوردار است، اما اصلاح و احیای ایران و ملت شرط مهم دیگری دارد که به ترویج آدمیت هم ارتباط دارد:

«حقیقتی که در این دریای مصایب تصریح آنرا واجب می‌شماریم اینست که به تصدیق عموم علما و بزرگان ما حفظ این دستگاه بکلی محال شده و اصلاح حال این ملک ممکن نخواهد بود مگر به استقرار قانون. ... ظهور قانون هرگز صورت نخواهد بست مگر به قدرت اتفاق، لهذا ما یعنی کل آدمهای ایران به ارشاد علمای دین ما در یک اتفاق ملی هم عهد و هم افکار شده» ش ۱۷، ص ۱.

با توجه به پاراگراف فوق اصلاح حال ایران با استقرار قانون و آن یکی با قدرت اتفاق (اتحاد) «آدمهای ایران» و آن هم به ارشاد علمای دین ممکن خواهد شد. از همین رو، علت اصلی یا یکی از علل اصلی که منجر به این وضعیت ایران شده ست دوری از علمای دین و قوانین شریعت برشمرده می‌شود:

«سبب همه این مصایب ایران از عدم اجرای قوانین شریعت خداست و استخلاص این ملک ممکن نخواهد بود مگر با اجرای احکام الهی» ش ۹، ص ۱.

«لهذا از برای تجدید حیات این ملل کافی است شرافت معانی اسلام را درست بفهمند و از روی ایمان تازه اقدام نمایند به اجرای اصول این شریعت خدا» ش ۲۵، ص ۲.

البته باید توجه داشت، اینکه روزنامه قانون چه تلقی از شریعت دینی دارد و چگونه با قانون عرفی نسبت برقرار می‌کند چالش و پرسش بزرگی است؛ با توجه به مضامین فوق و قطعات متنی و همچنین سایر مضامین و شبکه‌های کشف شده، روزنامه قانون این دو را متعارض نمی‌بیند، بلکه استقرار قانون را همان استقرار شریعت دینی می‌داند.

مضمون سازمان‌دهنده «ایده مردم ایران»

مردم برای روزنامه قانون گاه به معنای عام به کار می‌رود و همزاد «ملت» و «خلق» ایران است و گاه به معنای خاص یعنی «آدمیان» که دلالت بر تلقی و رویکردی ویژه‌ای دارد. اگر همزاد ملت و خلق باشد بیشتر بر ضعف‌ها، نقصان‌ها، بدبختی‌ها دلالت دارد و اگر با آدمیان مطابق باشد دلالت بر هدف بلند، ترقی‌خواهی و قانون‌خواهی و ... دارد.

در جایی خلق ایران «ساده دل و فریب خورده» هستند که اتفاقاً یکی از مسببین فساد در ایران هستند:

«سبب خرابی ایران تنها در فساد ریاست نیست سبب عمده آن در یک عقیده باطل ایست که بواسطه غفلت علما در میان جهال این ایام شیوع یافته است. امرای ظلم و معلمین تملق باین خلق ساده دل چنان حالی کرده‌اند که خدمت این دستگاه جور عمل مشروع و اطاعت آن بر عامه ملت واجب است» ش ۱۲، ص ۲.

عدم اتحاد و اتفاق خلق ایران نیز یکی از ضعف‌های بزرگ ایران است:

«ضعف خلق ایران از عدم اتفاق و عدم اتفاق از بی‌خبری اصول اتفاق بود» ش ۱۲، ص ۳

خلق ایران از شرط سعادت که همان اجتهاد آدمیت است غافل‌اند:

«خلق این ملک مدتها غافل از این شرط سعادت، عوض اینکه علو مقامات خود را از اجتهاد آدمیت بخواهند جمیع ترقیات دنیا را

از معجزات آسمانی منتظر بودند» ش ۲۱، ص ۱

خلق ایران در خاک بدبخت ایران گرفتار شده‌اند و به اولاد ایران که به اقلیم سایر ملل رفته‌اند (مانند خود ملکم)، به شدت نیازمند

هستند.

«ای اولاد ایران، ای شما که از وطن عزیز به اقلیم غرب افتاده اید. به فریاد آن برادران سیاه روزگار که در آن خاک بدبخت اسیر مانده‌اند چند دقیقه از راه ترحم گوش بدهید» ش ۱۶، ص ۳

خلق ایران شعور لازم برای برای طلب قانون را ندارند، هر چند پادشاه آن را می‌خواهد اما میل پادشاه کافی نیست. بنابراین فقدان قانون به دلیل عدم وجود شعور و طلب از سوی خلق ایران است.

«لیکن با نهایت وجد مشاهده می‌کنیم که این اوقات پادشاه ما مصرتر از هر حکیم و مجدتر از هر رعیت هواخواه و داوطلب قانون شده است» ش ۱، ص ۳. «...سببش همان است که خود پادشاه مکرر بیان فرموده. از برای تنظیم یک دولت میل پادشاه کافی نیست باید خود خلق هم اینقدر شعور داشته باشند که بمقام طلب قانون برخیزند» ش ۶، ص ۲.

اما آدمیان ایران که روح آدمیت در آن حضور دارد تنها نقطه امید و اصلاح و ترقی ایران هستند. آنها طالب قانون هستند:

«با کمال مسرت بشما خبر میدهم که ما جمعی از آدمیان ایران بر سر طلب قانون متفق و متحد هستیم و آمده ایم شما را دعوت کنیم که شما هم چشم خود را باز کنید و از برای خیر دنیا و آخرت با ما متفق بشوید» ش ۷، ص ۱.

علاوه بر این، آدمیان ایران، طالب جمیع ترقیات دنیوی و بیش از هر چیز به دنبال قوه تدابیر دنیوی هستند

«ما آدمیان ایران باقتضای طبع بشری طالب جمیع ترقیات دنیوی و بهدایت روح آدمیت جویای سعادت ابدی هستیم» ش ۱۳، ص ۲.

البته آدمیان ایران بهترین خادمان پادشاه هم هستند، و در جهت منویات شاه به ایران خدمت می‌کنند. آنها مطیع و صادق هستند

«ما آدمیان ایران بهترین خادمان پادشاه هستیم زیرا که اولین مقصود پادشاه نظم و آسایش ایران است و ما به حکم یک ماموریت مخصوص کل قوا و تمام هستی خود را وقف نظم و آسایش ایران ساخته ایم» ش ۶، ص ۱.

و همچنین بهترین خلق و مردم ایران نیز آدمیان هستند و کسانی که خود را در سلک آدمیت قرار نمی‌دهند گونه‌ای دیگر هستند که گاه «حیوان» و گاه «جانور» خطاب می‌شوند. به عبارت دیگر، در روزنامه قانون یک نوع قشربندی دوگانه وجود دارد که مردم را به دو گروه «آدم» و «جانور» تقسیم می‌کند.

«چیزی که در این ابتدای کار مخصوصاً به شما می‌سپارم این است که به عموم دوستان قانون دستورالعمل بدهید که این جنس مکروه را هرگز به دایره آدمیت راه ندهند و به اقتضای انصاف این جانوران نحس و نجس را بگذارند موافق همان آرزویی که دارند در تعفن لاشخوری و در زیر نفرت عامه مفقود بمانند» ش ۵، ص ۴.

«یکی از علمای فارس می‌نویسد لفظ آدم و آدمیت را زیاد تکرار می‌کنید. مراد از این لفظ چیست؟ جواب: ما که تشنه عدالت و دشمن ظلم هستیم، به فضل الهی خود را آدم می‌دانیم از برای اینکه بر حسب اسم هم از جانوران متعددی فرقی داشته باشیم خود را همه جا آدم اعلام می‌کنیم» ش ۴، ص ۳.

مضمون سازمان‌دهنده «شکل‌گیری جامع آدمیت در ایران»

مضمون سازمان‌دهنده فوق این تصویر را روشن می‌نماید که جمیع راه‌های اصلاحی برای وضعیت اسفناک ایران از مسیر سلسله آدمیت و تشکیل جامع آدمیت می‌گذرد. تغییر و اصلاح و ترقی ایران راهی به جز مسیر آدمیت ندارد:

«از وقتی که علم آدمیت و صدای قانون در این ملک بلند شده خود جنابان شما شاهد هستید که ایران ما چه روح تازه پیدا کرده و بیداری خلق ارکان ظلم را تا به چه حد مضطرب و متزلزل ساخته است» ش ۱۷، ص ۲

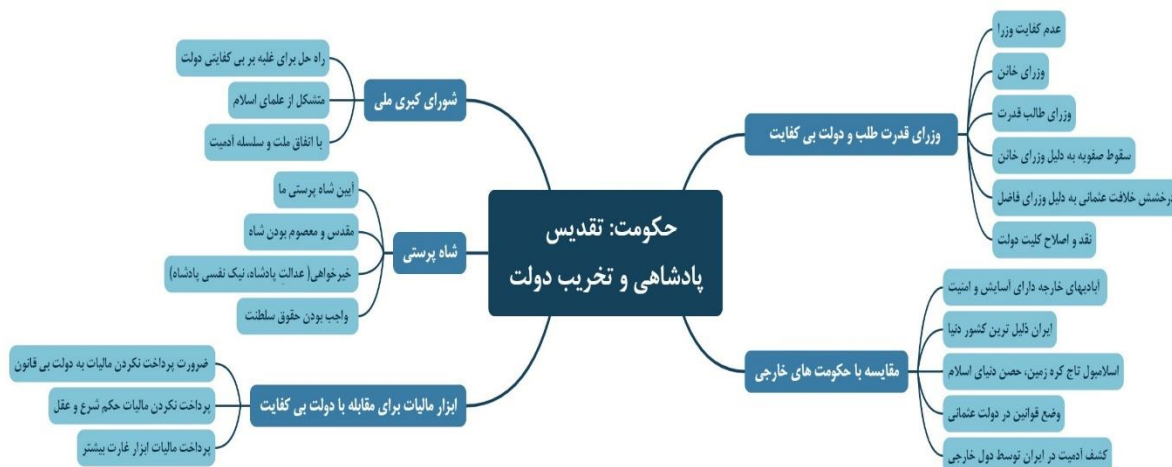
سلسله آدمیت مسیر اصلی تحقق قانون به صورت زیر است:

قانون ظاهر نخواهد شد مگر بحکم شورای کبرا و این شورای کبرا بوجود نخواهد آمد مگر باتفاق ملت و اتفاق ملت حاصل نخواهد شد مگر بقوت سلسله آدمیت ش ۷، ص ۱.

جامع و سلسله آدمیت در میان همه اقشار ایران گسترش یافته بود و اکثر نقاط ایران از آن بهره‌مند شدند: «لازم نیست عرض نمائیم که در اجرای این ماموریت مقدس چه نوع همت به کار بردیم. عرض لازم و نتیجه موجود اینست که الان جمع کثیر از علما و اعیان و ارباب غیرت و آنچه در ایران شعور و ذوق و مردانگی هست در این سلسله آدمیت یک دل و یک جبهه مجاهد طریقت فلاح هستند. در کل ولایت ایران و در اغلب شهرهای اطراف ایران جوامع متعدد داریم» ش ۹، ص ۳.

شبکه مضمونی «حکومت: تقدیس پادشاهی و تخریب دولت»

این شبکه دارای یک مضمون فراگیر، ۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۲۱ مضمون پایه است که ترسیم شبکه‌ای به صورت زیر است:



نمودار شماره ۳: شبکه مضمونی «حکومت: تقدیس پادشاهی و تخریب دولت»

مضمین سازمان‌دهنده «شاه پرستی»

یکی از مضامین مهم سازمان‌دهنده‌ای که دیدگاه سیاسی و حکمرانی روزنامه قانون و ملکم را نشان را می‌دهد مضمون شاه پرستی است. شاه مقام تقدس و عصمت دارد:

ما به اقتضای مصالح این عصر حفظ حقوق سلطنت را بر ذمه خود واجب و ذات همایون پادشاه را در هر مقام معصوم و مقدس می‌شماریم. ش ۱۷، ص ۱

از همین‌رو، آیین خود را آیین شاه پرستی می‌نامد:

اگر اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی مثل بعضی سلاطین سابق، منکر و دشمن قانون می‌شد ما نیز به اقتضای آیین شاه پرستی اسم قانون را بزبان نمی‌آوردیم. ش ۱، ص ۳

مضمون سازمان‌دهنده «وزرای قدرت طلب و دولت بی‌کفایت»

در روی دیگر شاه پرستی، وزرا به طور قطعی و همیشگی طالب قدرت و خائن هستند. تمامی مشکلات ملک و مملکت به دلیل وجود وزرای نالایق است:

مقام پادشاهی از پس عالی است که هیچ پادشاه نسبت به هیچکس نمی‌تواند غرضی داشته باشد. نیت و قلب سلاطین همیشه خیر و عدل است. و لیکن اغلب بلکه عموم وزرا در هر ملک به اقتضای طبع بشری همیشه طالب توسیع قدرت خود و حریص ضبط حقوق سلطنت بوده‌اند. ش ۱۸، ص ۱

حتی اضمحلال حکومت‌ها نه به خاطر پادشاهان بلکه به دلیل حضور وزرا است.

ما بشخص پادشاه بجز ارادت و دولتخواهی هیچ عرضی نداریم. شکایت ما از اغتشاش اوضاع و از عدم کفایت وزراست.... دولت صفویه را سفاهت وزرا تمام کرد. ش ۱۱، ص ۱

البته خیانت و سفاهت وزرا بیشتر از همه در تاریخ ایران از صفویه تا قاجار است در حالی که در حکومت عثمانی وزرا بسیار کاردان و فاضل هستند:

در حالتی که وزرا و کل مامورین عثمانی از فضایی معروف منتخب میشوند به بینید وزارت‌ها و مناصب بزرگ دولت ما را در دست چه نوع جهال اسباب چه رسوائیهایی ساخته‌اندش ۱۶، ص ۲

مضمون سازمان‌دهنده «شورای کبرای ملی»

راه حل اساسی روزنامه قانون در مقابل بی‌کفایتی دولت و قدرت طلبی وزرا و البته در کنار آیین شاه پرستی، تشکیل شورای کبرای ملی است:

«میخواهیم در ایران یک مجلس شورای کبرای ملی ترتیب بدهیم که در آن مجلس اعظام علما و مشاهیر عقلای ملک حقوق دولت و ملت را موافق اصول شریعت خدا مستقلاً معین و حفظ حدود مقرر را دائماً مراقبت نمایند» ش ۲۲، ص ۱

البته شورای کبرای ملی متشکل از علمای اسلام است:

علمای اسلام در شورای کبرای ملی هر حکمی که باستقلال فضل خود صادر فرمایند ما همان را قانون خدا و مامن زندگی خود خواهیم ساخت. ش ۱۲، ص ۲.

همچنین در عریضه‌ای که در روزنامه قانون به میرزای شیرازی بعد از صدور فتوای تحریم تنباکو نوشته می‌شود، بر ضرورت تشکیل بلاتاخیر شورای کبرای ملی با حضور علمای دین تاکید می‌کند:

بله خیانت بزرگ ما اینست که میگوئیم بحکم هر قانون شرعی و عقلی بر ذمه علمای دین واجب است که بلا تأخیر یک مجلس شورای کبرای ملی ترتیب بدهند و موافق اصول شرع مقدس حقوق ملت و شرائط بقای دولت را آنطوریکه باید مقرر و مستحکم بسازند. [در عریضه به میرزای شیرازی] ش ۲۰، ص ۲.

علاوه بر این، شورای کبرای ملی بوجود نخواهد آمد مگر با اتفاق و اتحاد ملت و قدرت سلسله آدمیت:

متصل در جریده قانون فریاد می‌زنید که قانون ظاهر نخواهد شد مگر بحکم شورای کبرا و این شورای کبرا بوجود نخواهد آمد مگر باتفاق ملت و اتفاق ملت حاصل نخواهد شد مگر بقوت سلسله آدمیت.

اینکه چطور سه گانه «علمای اسلام»، «ملت» و «سلسله آدمیت» هر کدام از شروط ضروری تشکیل شورای کبری ملی هستند و در کنار یکدیگر می‌توانند چنین شورایی را قدرت ببخشند امری بسیار اساسی برای شناخت دیدگاه سیاسی ملکم است.

مضمون سازمان‌دهنده «ابزار مالیات برای مقابله با دولت بی‌کفایت»

در شماره ۱۲ روزنامه قانون یک فراخوان عمومی برای ندادن مالیات به دولت ارائه شده است؛ و شواهدی نیز آورده است که گروه‌ها و اقشاری از مردم ایران به دلیل اعتراض و مبارزه با دولت به اصحاب روزنامه قانون و آدمیت پیوستند و مالیات خود را پرداخت نکردند. «ما می‌خواهیم بعد از این قلعهٔ محافظت ما در اتفاق آدمیت و اسلحهٔ مدافعهٔ ما در صحت کلام باشد. ما رعیت و مطیع و دلتخواه صدیق هستیم و لیکن بدولتی که هیچ قانون قبول نمی‌کند نمی‌توانیم برضای خود مالیات بدهیم ش ۱۲، ص ۲

دلیل اصلی برای پرداخت نکردن مالیات این بوده است که دولت بی‌قانون بوده (قانون نداشته است) و متشکل از وزرای قدرت طلب و جاهل بوده و مالیات را برای غارت اهل ایران استفاده می‌کرده است:

دولت بی‌قانون یعنی مخرب دنیا، دولت بی‌قانون یعنی دشمن حقوق ملت، لعنت بر دولت بی‌قانون، ننگ بر آن خلق بیشعور و بی‌غیرت که بدولت بی‌قانون مالیات می‌هند. از همه این احکام که عشر آنها را نمیتوانیم در اینجا درج نمود در نهایت وضوح مبرهن میشد که بحکم شرع مقدس اسلام و بحکم عقل و حکمت دنیا بدولت بی‌قانون نباید مالیات داد» ش ۱۲، ص ۲

پرداخت نکردن مالیات به دولت بی‌قانون را هم حکم شرع می‌داند و هم حکم عقل. و هر فرد ایرانی که آن را پرداخت کند، بی‌شعور و بی‌غیرت است.

مضمون سازمان‌دهنده «مقایسه با حکومت‌های خارجی»

روزنامه قانون در برخی شماره‌های خود حکومت، پادشاه، وزرا و دولت ایران را با دول خارجه و بخصوص با عثمانی مقایسه می‌کرد. با اینکه روزنامه قانون در لندن چاپ می‌شد اما بیشترین مقایسه‌ها با دولت عثمانی صورت می‌گرفت نه اروپا. مقایسه‌ها هم همگی به نحوی بود که دولت ایران بسیار بیچاره تلقی می‌شده است:

شما که در این آبادیهای خارجه امنیت و آسایش این ملل مختلفه را مشاهده میکنید باید خوب ملتفت شده باشید که سبب همه پریشانی ایران منحصر باین است که جهالت و بی‌انصافی روسای ما هیچ قانون و هیچ امنیتی از برای خلق ایران باقی نگذاشته است ش ۱۶، ص ۳

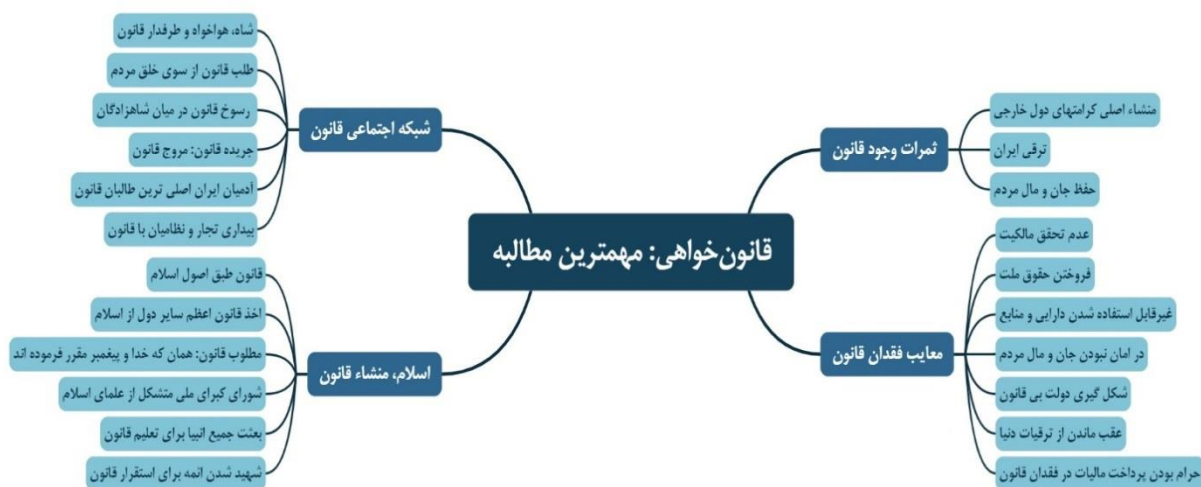
البته ایران یک نقطه درخشان دارد که دول خارجی آن را کشف کردند و آن نقطه هم تشکیل جامع آدمیت در ایران است: ممکن نبود که ظهور آدمیت در ممالک ایران حواس بینندگان فرنگستان را متوجه این صفحات نسازد. چنانکه چند ماه قبل یکی از دول خارجه کشف مسئله را از سفیر خود موکدا خواست. ش ۲۵، ص ۱

با این حال، مقایسه‌ها بیشتر با اسلامبول و امپراطور عثمانی است؛ تمجید بسیار زیاد از آنها و تحقیر شدید ایران: وضع قوانین و ترتیب عدالتخواهانه این دولت [عثمانی] را چطور می‌توان نسبت داد بآن هرج و مرج مهیب که ایران را ذلیل‌ترین گروه دنیا ساخته است. ش ۱۶، ص ۲

اسلامبول تاج کره زمین است. هر مسلمان که حفظ آن نقطهٔ شریف را فرض دین خود نشمارد از معنی شوکت اسلام هیچ نفهمیده است. اسلامبول اولین حصن استقلال دول اسلام است. اگر اسلامبول برود مکهٔ معظمه و عتبات عالیات و اصفهان و کابل کجا خواهند ماند. ش ۱۷، ص ۴

شبکه مضمونی «قانون خواهی: مهمترین مطالبه»

این شبکه دارای یک مضمون فراگیر و ۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۲۲ مضمون پایه است و ترسیم شبکه آن به صورت زیر است:



نمودار شماره ۴: شبکه مضمونی «قانون خواهی: مهمترین مطالبه»

در بکارگیری واژگان و مضامین قانون، قانون خواهی، اهل قانون، دوستان قانون، اصحاب قانون، استقرار قانون، صدای قانون و صاحب قانون، گاهی جریده و روزنامه قانون را مراد می‌کند و گاهی قانون به معنای حکم پیشینی تعیین شده را مد نظر قرار می‌دهد. توصیف، کشف و تحلیل هر دو گونه ضروری است که در قسمت بعدی به طور دقیق تری آن را تحلیل می‌کنیم.

مضمون سازمان‌دهنده «معایب فقدان قانون»

یکی از مهمترین مضامینی که ملکم در روزنامه قانون بیان می‌کند، مسئله فقدان قانون در ایران است و تلاش کرده هم معایب فقدان قانون را بیان کند و هم ثمرات وجود قانون.

از عمده ترین معایب فقدان قانون شکل‌گیری «دولت بی قانون» است که سبب خسران‌های بزرگ اجتماعی می‌شود: «دولت بی قانون کدام است. آن است که رعیت را بمیل خود می‌چاپد حقوق ملت را بهر اجنبی که میخواهد می‌فروشد خزاین ملک را بهر نوع رذالت که میل دارد تلف میکند موجب و طلب نوکرها را بدون هیچ خجالت می‌خورد تعهدات و امضای خود را مردانه وار منکر میشود و هر دقیقه که دلش بخواهد چشمهای تو را می‌کند و عیال تو را بکوچه میریزد اموال تو را ضبط و شکم تو را پاره میکند» ش ۱۰، ص ۳.

و فراتر از همه اینها:

دولتی که قانون ندارد نه دین دارد و نه انصاف نه شعور» ش ۱۱، ص ۱

از دست رفتن امنیت جان و مال مردم یکی مضامین پرتکرار ناشی از فقدان قانون است

پس‌ای برادران عزیز قبل از هر کار آنچه قدرت داریم صرف تحصیل امنیت مالی و جانی نمائیم. ش ۱۷، ص ۴
اگر امنیت جانی و مالی نباشد تقریباً هیچ امری ممکن نیست:

این دولت ملت پرور ایران را مبدل کرده است به یک گداخانه. عدم امنیت از برای دو هیچ کار باقی نگذاشته است. زراعت نمی‌توانند بکنند بعلت اینکه امنیت نیست. تجارت و کاسبی نمی‌توانند بکنند بعلت اینکه امنیت نیست. خللی نمی‌توانند بکنند بعلت اینکه نه امنیت هست نه موجب نه آبرو نه دنیا نه آخرت. ش ۲۲، ص ۱

فقدان مالکیت در ایران ناشی از فقدان قانون است:

هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست ش ۱، ص ۱

نعمت خدادای ایران نیز به دلیل فقدان قانون عاطل و باطل می‌ماند:

ایران مملو از نعمت خداداد. چیزی که همه این نعمت را باطل گذاشته نبودن قانون است ش ۱، ص ۱

کفر بی‌قانونی مانع از ورود به ترقیات دنیا می‌شود:

حال شمائی اولیای جهالت می‌خواهید در میان همه ترقیات دنیا این ملت نجیب ایران را در این کفر بی‌قانونی تا آخر معذب نگاه

بدارید. ش ۱۳، ص ۳

پرداخت مالیات به دولت بی‌قانون حرام شرعی و بر ضد منافع عامه است به همین دلیل نباید پرداخت شود. فراخون عمومی به

عدم پرداخت مالیات به دولت وقت از طریق روزنامه قانون داده شده بود.

دولتی که قانون نداشته باشد حق ندارد که مالیات بخواهد. اگر یک دولت بی‌قانون بخواهد اموال مسلمانان را بزور بگیرد و بدون هیچ

نوع حد صرف حظ نفس خود بکند دادن مالیات بچنان دولت حرام و خلاف شریعت خدا و بر ضد منافع عامه خواهد بود. ش ۱۲، ص ۱

مضمون سازمان‌دهنده «ثمرات وجود قانون»

از نظر ملکم همچنان امنیت جانی و مالی در اولویت قانون گذاری است:

اولین قانون دولت باید بر امنیت جان و مال و بر ضمانت جمیع حقوق افراد ملت باشد. ش ۱۸، ص ۲

وجود قانون منشاء اصلی کرامتها در جمیع کشورها و دولتها است و در ایران نیز باید اینگونه باشد:

پس‌ای دولتمردان ایران، ای مردمان زندگی طلب. بیائید دست بهم دهیم و این قانون اعظم را که در جمیع دول منشاء آنهمه

کرامتها شده در ملک ما نیز برقرار نمائیم. ش ۵، ص ۲

مضمون سازمان‌دهنده «اسلام، منشاء قانون»

بعد از معایب بسیار زیاد که برای فقدان قانون و همچنین ثمرات وجود قانون برشمرده می‌شود، اصول و چارچوب و منشاء قانونی که

باید تدوین شود بیان می‌شود. اسلام به عنوان مهمترین اساس و بنیان قانونگذاری مطرح می‌شود. [تحلیل و مقایسه با دیدگاه

مستشارالدوله، نسبت شرع و قانون]

حرف ما ابداً بر قانون تازه نیست مطلوب همان قانون است که خدا و پیغمبر و اولیای اسلام برای آسایش دنیا مقرر فرموده‌اند

ش ۱۲، ص ۲

حتی شورای کبرای ملی برای تدوین قانون باید متشکل از علمای اسلام باشد:

علمای اسلام در شورای کبرای ملی هر حکمی که با استقلال فضل خود صادر فرمایند ما همان را قانون خدا و مامن زندگی خود خواهیم ساخت. ش ۱۲، ص ۲

اصول اسلام حتی برای قانونگذاری دول خارجی نیز منشاء بوده است:
اصولاً این قانون به طوری مطابق اصول اسلام است که می‌توان گفت سایر دول قانون اعظم خود را از اصول اسلام اخذ کرده‌اند
ش ۵، ص ۲

جایگاه قانون چنان بالاست که انبیاء الهی و ائمه هدی (ع) نیز برای قانون آمده‌اند و شهید شدند:
بعثت جمیع انبیا از برای تعلیم قانون بوده. ائمه ما کلاً از برای استقرار قانون شهید شده. ش ۱۳، ص ۳.

مضمون سازمان‌دهنده «شبکه اجتماعی قانون»

آنگونه که روزنامه بیان می‌کند همه اقشار اجتماعی جامعه ایران طرفدار و طالب قانون شده بودند. البته از آنجایی که ملکم، طلب قانون برای دولت را مساوی با طالب روزنامه قانون بودن میدانست؛ تمایل و طلب اقشار مختلف به داشتن و خواندن روزنامه قانون را هم‌تراز قانون‌خواهی می‌دانست.

اول از همه پادشاه را طالب و هواخواه قانون می‌دانست:

«این اوقات پادشاه ما مصرتر از هر حکیم و مجدتر از هر رعیت هواخواه و داوطلب قانون شده ست» ش ۱، ص ۳
بعد از آن شاهزادگان قاجار:

یک شاهزاده بلندنظر می‌نویسد: ای اصحاب قانون ما اعضای این سلطنت همه بجان و دل ممنون همت شما هستیم. معنی دولتخواهی و لازمه حق شناسی همین است که از قلم شورانگیز شما ظاهر میشود. هزار آفرین بر غیرت و دانش شما. سلسه قاجار را تا ابد رهین منت خود ساختید. ش ۱۴، ص ۲

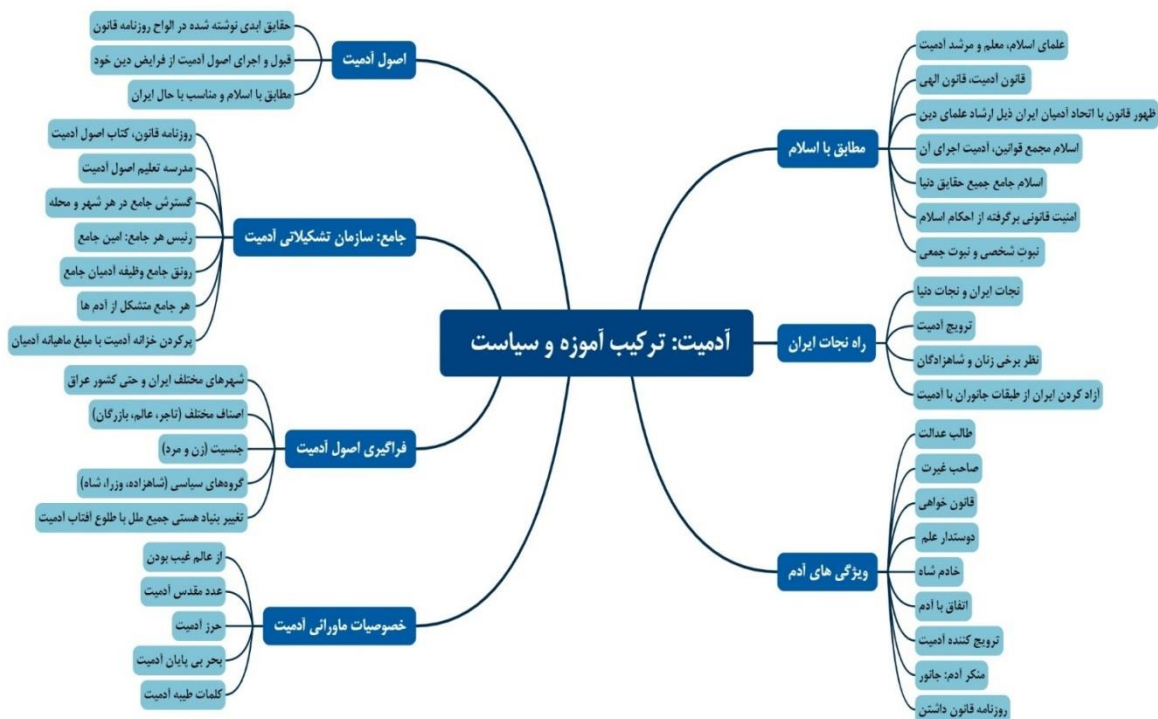
نظامیان نیز می‌گویند با آواز قانون بیدار شدند:

سیل ظلم‌های شما وزرای خلق ایران و آواز قانون، ما [اهل نظام] را بیدار کرده حالا خوب می‌بینیم که پروردگار رحیم ما را از برای عبودیت امثال شما نیافریده است. ش ۱۴، ص ۱
تجار به صورتی دیگر آن را بیان می‌کنند:

یک تاجر معتبر که روحش از برای آدمیت پرواز میکند از تبریز می‌نویسد: نمیدانید اولیای طهران از قانون و آدمیت چه قدر می‌ترسند. جمیع کاغذهای مردم را باز میکنند و هر کس که چشمش بقانون افتاده باشد او را میگیرند که چرا آدم شده. ش ۱۴، ص ۳
و در نهایت جامع آدمیان ایران اصلی‌ترین طالب و هواخواه قانون هستند:
ما جمعی از آدمیان ایران بر سر طلب قانون متفق و متحد هستیم و آمده ایم شما را دعوت کنیم که شما هم چشم خود را باز کنید و از برای خیر دنیا و آخرت با ما متفق بشوید. ش ۷، ص ۱

شبکه مضمونی «جامع آدمیت: ترکیب آموزه و سیاست»

این شبکه دارای یک مضمون فراگیر و ۷ مضمون سازمان‌دهنده و ۴۰ مضمون پایه است که ترسیم شبکه‌ای آن به صورت زیر است:



نمودار شماره ۵: شبکه مضمونی «آدمیت: ترکیب آموزه و سیاست»

واژه «آدمیت» پرتکرارترین واژه روزنامه قانون است و بیشترین توضیحات تفصیلی و کیفی درباره آن داده شده است. از همین رو، این شبکه از سایر شبکه‌های مضمونی بزرگتر و مهمتر است. همچنین در ابتدای کتاب روزنامه قانون، واژه «آدمیت» با یک لوگوی اختصاصی درج شده است:



مضمون سازمان‌دهنده «ویژگی‌های آدم»

طبق قشربندی اجتماعی که پیش از توضیح داده شد، ملکم و روزنامه قانون، ایرانیان را به دو گروه عمده تقسیم می‌کند این تقسیم بندی چنان بزرگ و گسترده است که شاه، شاهزادگان، وزرا، علما، تجار، نظامیان، افراد عامه و ... دربرمی‌گیرد. بر این اساس، یک ایرانی یا آدم است یا جانور. شاه که حتماً آدم است و حتی تمام آدمیان خادمان اویند؛ از سایر گروه‌ها هر کسی که ویژگی‌ها زیر را داشته باشد آدم است، در غیر اینصورت جانور است.

ما که تشنه عدالت و دشمن ظلم هستیم، به فضل الهی خود را آدم می‌دانیم. ش ۴، ص ۳
هر کس طالب عدالت و صاحب غیرت و دوست علم، حامی مظلوم و مقوی ترقی و خیرخواه عامه است او آدم است ش ۴، ص ۳
ما آدمیان ایران بهترین خادمان پادشاه هستیم. ش ۶، ص ۱
هر کس یک نسخه از این اوراق قانون در تصرف خود داشته باشد باید او را آدم دانست. مگر اینکه برخلاف آدمیت از او حرکتی ظاهر بشود. ش ۸، ص ۲

پس آخر چه باید کرد. باید آدم شد. باید آدم پیدا کرد. و باید با آدم اتفاق کرد. ش ۵، ص ۴
آدم بشو و قانون بخواه. ش ۱۰، ص ۳
و اما جانور کسی است که منکر آدمیت است:
آن بدبختی که خودش منکر آدمیت خود بشود حیوانیست کور و دیوانه. باید بر حال او ترحم کرد. ش ۱۱، ص ۳
و در نهایت اینکه ایران اساساً و غالباً اسیر همین طبقات جانوران است:
در زیر آفتاب هیچ طایفه نیست که بقدر اهل ایران فقیر و مستمند باشد. ایران اسیر اراذل طبقات جانوران دنیا است. ش ۱۸، ص ۱

مضمون سازمان‌دهنده «راه نجات ایران»

در شرایطی که ایران اسیر طبقات جانوران است آدمیت راه نجات ایران و شرط احیای ملت است:
از حالا بدوستان قانون مژده می‌دهم که روح آدمیت عنقریب جمیع اصحاب نفس این ملک را علمدار این اردوی نجات خواهیم ساخت ش ۱۲، ص ۳

ترویج آدمیت اولین شرط احیای ملت است. ش ۲۱، ص ۲
برخی زنان و شاهزادگان هم نجات ایران را در آدمیت می‌دیدند:
یک زن دیگر که از خانواده نجیب و شاهر بی‌بدیل است می‌نویسد از زنهای ایران مایوس نباشید ما هنوز این قدر نامرد نشده‌ایم که مثل شوهران و جوانان این زمان سرمایه زندگی را منحصر مشق بیماری قرار داده باشیم در این اتفاق آدمیت در این اردوی نجات ایران خوب میبینیم تکلیف ما چیست ش ۱۲، ص ۴
آدمیت نه تنها راه نجات ایران بلکه یگانه امید نجات دنیا است:
ترویج آدمیت یگانه امید نجات دنیا است. ش ۲۱، ص ۲
ما نجات دنیا و احیای این ملک را بسته به شیوع انوار این اصول [آدمیت] میدانیم و شرافت این اصول را به هیچ اعتبار شخصی ابداً ربط نمیدهیم. ش ۱۶، ص ۳

مضمون سازمان‌دهنده «جامع: سازمان تشکیلاتی آدمیت»

آدمیت صرفاً مجموعه‌ای از ایده‌ها یا مباحث فکری نیست بلکه یک سازمان تشکیلاتی است که روزنامه قانون آن را «جامع» می‌نامد. سازماندهی «آدم‌ها» در «جامع آدمیت» برای تعلیم «اصول آدمیت» است:

جامع یعنی چه. جامع آدمیت عبارت است از اجتماع آن آدمیان که بجهه حراست حقوق خود در یک دایره مخصوص با هم متفق شده‌اند. جامع، مدرسه اصول آدمیت است. ش ۲۱، ص ۳

توصیح روزنامه قانون، گسترش جامع در هر محله است:

در هر شهر ممالک محروسه چندین جامع هست. در هر محله باید اقلای یک جامع باشد. ش ۲۱، ص ۳
رئیس هر جامع «امین» نام دارد و از خود آدمیان است و اگر زمانی امین جامع فوت کند باید یکی از آدم‌های همان جامع به عنوان امین انتخاب شود.

یکی از دوستان که تازه داخل جماعت آدمیان شده از مازندران می‌نویسد: امین ما که از خوبان روزگار بود و در ترویج آدمیت واقعاً کرامت میکرد هفته قبل مرحوم شد. حال جامع ما بی‌امین مانده است. چه باید کرد. جواب: انتخاب امین هر جامع بر عهده آدمیان آن جامع است. شما و رفقای شما که آدم شده‌اید در یک جائی جمع بشوید و از میان خود یکی را امین مجمع قرار بدهید. ش ۶، ص ۳
امین‌ها باید شبکه شوند و از احوال یکدیگر با خبر باشند:

هر امین باید اقلای دو امین دیگر مربوط یعنی از احوالات و اخبار اقلای دو جامع دیگر همیشه مطلع باشد. ش ۶، ص ۳
کسی که روزنامه قانون به دستش رسیده می‌تواند خود در داخل جماعت آدمیت به حساب بیاورد چون احوال آنها بقدر کافی مورد تحقیق قرار گرفته است و شخص او قابلیت سلک آدمیت دانسته شده است:

هر کس که روزنامه قانون یا مستقیماً یا بتوسط یک آدم معروف باو برسد باید بداند که احوال او را از اطراف بقدر کفایت شکافته و شخص او را قابل آدمیت دانسته که چنان امانتی بدیانت او سپرده‌اند. لهذا پس از مطالعه جراید قانون حق خواهد داشت که خود را داخل جماعت آدمیت بداند. ش ۷، ص ۳

کسی که آدم نیست حق ندارد این جراید قانون را بخواند. ش ۷، ص ۳

رونق جامع آدمیت از اهمیت بسزایی برخوردار است:

رونق آدمیت بسته به رونق جامع و رونق جامع بسته به علم و غیرت فداکاری اعضا جامع است. ش ۱۱، ص ۴.

خزانه جامع نیز باید توسط خود آدمیان تامین شود:

هر آدم باید حکماً یک امین داشته باشد و ماهی اقلای یک پول بتوسط امین خود بخزانه آدمیت برساند. ش ۶، ص ۴

مضمون سازمان‌دهنده «اصول آدمیت»

جامع آدمیت و آدمیان براساس اصول و چارچوبی فکر و عمل می‌کنند؛ مهمترین اصول آنها، همین نوشته‌های روزنامه قانون است؛ یعنی اساساً ملکم روزنامه قانون را به عنوان الواح اصول آدمیت معرفی می‌کند و کسانی که روزنامه را دریافت کنند و آن را بخوانند با اصول آدمیت آشنا می‌شوند، بنابراین روزنامه قانون اصلاً اخبار و تحلیل‌های روزانه نیست بلکه اصول و مبادی دائمی و همیشگی سازمان آدمیت است:

این الواح قوانین روزنامه نیستند که هر روز تازگی داشته باشند. جمع این الواح عبارت است از یک کتاب و مقصود از این کتاب فقط بیان و تلقین اصول آدمیت است. اصول آدمیت و اساس اتفاق و شرایط ترویج و راه ترقی و مشرق معرفت همان است که در این دوازده الواح سابق بر ارباب بصیرت منکشف شد. [منظور ۱۲ شماره روزنامه قانون است که پیش از این منتشر شده بود] ۱۳، ص ۳ بنابراین، همه مطالبی که در روزنامه قانون نوشته می‌شود جزو اصول آدمیت است که آدم‌های ایران باید به آن پایبند باشند. ویژگی اساسی و بنیادی اصول آدمیت هم این است که هماهنگ و مطابق با اسلام و همچنین مناسب دردهای جامعه ایران است: چیزی که شیوع و رونق عالم آدمیت را در ایران مسلم ساخته اینست که اصول آن بطور مطابق اسلام و قسمی مناسب دردهای حالیه ایران است که هر مسلمان باشعور بمحض اینکه از حقایق آدمیت بوئی می‌شنود بی‌اختیار خود را باین دایره می‌اندازد. ش ۶، ص ۴ اما ادعای بسیار بزرگ آن است که:

اصول آدمیت همان حقایق/بدی است که در الواح قوانین بر ارباب هوش مکشوف شده. ش ۱۶، ص ۳ علاوه بر این، باید اصول آدمیت به عنوان حقایق ابدی را جزو فرایض دین خود بدانیم بنابراین قبول و اجرای اصول آدمیت را بر آحاد ما از جمله فرایض دین خود میدانیم. ش ۱۶، ص ۳ بنابراین اینکه روزنامه قانون یک روزنامه به معنای مرسوم نیست که اخبار و تحلیل‌های روزانه و مقطعی ارائه دهد بلکه مجموعه از الواحی است که اصول آدمیت را تعلیم می‌دهد و این اصول هم حقایق ابدی هستند که قبول و اجرای آن بر آحاد واجب است، مسیری است بسیار خاص که در آن یک روزنامه به یک منشور سازمان شبه دینی خاص تبدیل می‌شود.

مضمون سازمان‌دهنده «فراگیری اصول آدمیت»

اصول آدمیت و جامع آدمیت به لحاظ جغرافیایی خیلی فراگیر شد و کل کشور و بلکه شهرهایی از عتبات را نیز دربر گرفته است: در کل ولایت ایران و در اغلب شهرهای اطراف ایران جوامع متعدد داریم. ش ۹، ص ۳ آنچه معلوم کردم مرکز آدمیت این روزها در کربلا و اصفهان و مشهد است. ش ۶، ص ۴ چند نفر از مشاهیر علما این روزها در نجف اشرف یک جامع عالی ترتیب داده و به ذوق و همت معجزنا شب و روز مشغول ترویج آدمیت هستند. ش ۱۶، ص ۳

پیش از این، در شبکه‌ها و مضامین دیگر نشان دادیم که آدمیت در میان گروه‌ها و اصناف مختلفی از جمله تجار، نظامیان و علما گسترش پیدا کرده بود. همچنین آدمیت فقط مخصوص مردها نبود بلکه زن‌ها نیز به طور خیلی جدی در آن مشارکت داشتند و روزنامه قانون نیز آنها را ترغیب می‌کرد و آنها را ملائک ترویج آدمیت خطاب می‌کرد: نصف هر ملت مرکب است از زن. هیچ طرح ملی پیش نمی‌رود مگر بمعاونت زن‌ها. زن‌های ایران باید ملائکه ترویج آدمیت باشند. وجود آنها را در هر مقام باید محترم داشت. یک زن که آدم باشد میتواند بقدر صد مرد عاقل از برای پیشرفت مصدر خدمت بشود. ش ۷، ص ۳

علاوه بر این در برخی قطعات متنی آورد شده که فراگیری اصول آدمیت به گونه‌ای است که افراد سیاسی تاثیرگذار مختلف نیز به آن گرایش داشتند، از جمله شاه، برخی شاهزادگان، وزرا. اما مهمتر از همه اینها، این است که آدمیت نه ایران بلکه جمیع ملل را تغییر داده است:

طلوع آفتاب آدمیت بنیاد هستی جمیع ملل را تغییر داده است. ش ۱۸، ص ۲

مضمون سازمان‌دهنده «مطابق با اسلام»

روزنامه قانون به صراحت و بارها بیان کرده که اصول، مبادی و حقیقت آدمیت کاملاً مطابق با اسلام است و علمای اسلام را هادی خود می‌داند:

ما علم علمای اسلام را معلم و مرشد آدمیت خود قرار داده ایم. ما در عالم آدمیت یک کلمه حرف تازه نداریم. همان حقایقی که انبیای اسلام و حکمای روی زمین بیان فرموده‌اند و خلق این ایام فراموش کرده‌اند بیک ترتیب واضح مجدداً اشتهار می‌دهیم. آنچه موافق علم علمای اسلام حق است ما آنرا می‌پرستیم و هر لفظی که در اقوال ما مطابق عین اسلام نباشد آنرا از صمیم قلب رد و لعن می‌کنیم. ش ۱۱، ص ۲

حتی تدوین قانون مملکت را همان قانون الهی می‌داند:

حرف ما ابداً بر قانون تازه نیست مطلوب همان قانون است که خدا و پیغمبر و اولیای اسلام برای آسایش دنیا مقرر فرموده‌اند.

ش ۱۲، ص ۲

علمای اسلام در شورای کبرای ملی هر حکمی که باستقلال فضل خود صادر فرمایند ما همان را قانون خدا و مامن زندگی خود

خواهیم ساخت. ش ۱۲، ص ۲

تلقی ویژه‌ای هم که از اسلام دارد به صورت زیر است:

اسلام جامع جمیع حقایق دنیاست. ش ۱۳، ص ۴

در احکام اسلام هیچ نقطه نیست که مقوی امنیت قانونی نباشد این امنیت قانونی را که سایر ملل بقوت عقل خود پیدا و در ملک

خود مجرا کرده‌اند چرا باید اهل ایران نتوانند هم به قوت عقل و هم به حکم دین خود در این ملک اسلام برقرار نمایند ش ۱۳، ص ۲

مشکلات و مصائب ایران هم ناشی از هم عدم اجرای اسلام است:

روشن ساختند که سبب همه این مصایب ایران از عدم اجرای قوانین شریعت خداست و استخلاص این ملک ممکن نخواهد بود

مگر با اجرای احکام الهی. ش ۹، ص ۱

علاوه بر این، نه تنها آدمیت برگرفته از اسلام، بلکه روح و اصول اسلام هم مبتنی بر ترویج آدمیت است

وانگهی روح و اصول و ماموریت اسلام تماماً مبنی بر ترویج آدمیت است و اگر تا امروز از علمی ما آن خدماتی که از برای ترقی

آدمیت منتظر هستید بروز نکرده سببش همان استبداد وحشیانه دیوان ماست که در این ملک از برای احدی مجال حرف بلکه امکان

تنفس باقی نگذاشته بود. ش ۱۷، ص ۳

در عریضه‌ای بعد از جنبش تنباکو به میرزای شیرازی، ضمن تحسین حکم تحریم تنباکو، خواستار گسترش این حکم به سایر

مظالم ایران شده ست:

عریضه حضور باهرالنور جناب مستطاب حجت الاسلام ملاذ المسلمین نائب الائمة المعصومین آقای میرزا محمد حسن شیرازی

سلمه الله تعالی

در وقتی که غاصبان حقوق ملت در کام روائی خود مستغرق بودند بیک اشاره انگشت ارکان هستی آنها را متزلزل و کل ممالک

اسلام را مملو یک حیات تازه فرمودید بدیهی است که پس از طلوع چنان نجات چشم داشت ایرانیان نباید در دائره جزئیات محدود

بماند. غفرة فروش تجارت تنباکو به اجانب یکی از فروع آن مظالمی است که بر این ملت اسلام حمل کرده‌اند. ش ۲۰، ص ۱

و در نهایت اینکه روشن ترین عبارت برای بیان نسبت اسلام و آدمیت به صورت زیر است:

اسلام یعنی مجمع قوانین الهی و آدمیت یعنی اجرای آن قوانین. ش. ۱۰، ص ۳
اما در تفسیر خاص و شاذ از مقوله نبوت اسلامی، تمایزی میان نوبت شخصی و نوبت جمعی قرار می‌دهد که نوبت شخصی با پیامبر اسلام (ص) ختم یافت اما نبوت همچنان ادامه دارد ولی به شکل جمعی؛ به عبارت دیگر در عصر حاضر، «نور نبوت مطلق در دنیا منتفی نشد»:

شکی نیست که دیگر در دنیا پیغمبر جدید مبعوث نخواهد شد. و لیکن در ضمن اعتراف این حقیقت نباید از لزوم یک حقیقت دیگر غافل بمانیم. چه طور می‌توان تصور کرد که این کارخانه کون و مکان از تجلی حق یک دقیقه خالی بماند. افاضه فیوض حق در عهد جاهلیت بواسطه وجود انبیای منفرد ظاهر میشد. بعد از بعثت حضرت رسالت پناهی رشته آن قسم نبوت شخصی بانتهای رسید. و لیکن بدیهی است که بواسطه ختم نبوت شخصی نور نبوت مطلق در دنیا منتفی نشد. فرق فقط در طریقه ظهور آن است. باین معنی که نور نبوت عوض اینکه مثل عهد سابق در وجود پیغمبران منفرد ظهور یابد باقتضای ترقی ایام در مجامع مومنین متحد بروز می‌کند. هر وقت مومنین فاضل از روی صدق نیت و بهجه خدمت ملت مستقلاً جمع بشوند روح حقیقت در آن مجمع باندازه استعداد آن مجمع ظاهر میشود. هر قدر جمعیت و فضل و اتحاد اعضا بیشتر باشد پرتو حقیقت فایض تر خواهد بود. ش. ۱۹، ص ۳.

مضمون سازمان‌دهنده «خصوصیت ماورائی آدمیت»

اطلاق خصوصیات ماورائی، قدسی، غیبی و ... به آدمیت مجموعه‌ای از مضامین پرتکرار، مهم و خاص روزنامه قانون است. در این مضامین آدمیت از عالم غیب آمده و ماموریت قدسی دارد:

علی العجالة مسلم بدانید که این مجلس ما خود بخود فراهم نیامده است. یک اراده ازلی و اقسام توجهات غیبی بی‌آنکه ملتفت بشوید شما را مخصوصاً در این محفل صفا حاضر ساخته است. ش. ۱۳، ص ۳
ما این حقایق آسمانی را خزانه و میراث بنی آدم می‌شناسیم و به فرمان روح آدمیت خود را مخصوصاً مأمور خدمت این معانی حیات بخش میدانیم. ش. ۱۶، ص ۳

تعداد آدمیان ایران باید به یک عدد قدسی مشخصی برسد و همه باید برای حصول آن تلاش کنند:
و چون بر ما محقق شده که ظهوران عالم سعادت ممکن نخواهد بود مگر آن وقتی که عدد آدمیان به یک عدد قدسی برسد و چون حصول آن عدد قدسی موقوف به مجاهدت آدمی است ما که به شرف آدمیت افتخار میکنیم شب و روز بجز تکثیر عدد آدمیان و حصول آن عقد قدسی هیچ خیال و آرزویی نداریم. ش. ۱۳، ص ۱
آدمیت دارای حرز اعظم است:

حرز اعظم کدام است. [جواب:] آن توقیع امنیت است که اولیای آدمیت بر وجه مکافات به آدمی که مصدر خدمات نمایان شده باشد عطا می‌فرمایند. دارای حرز اعظم به هر شهری که وارد شود عزیز آدمیان آنجا خواهد بود. ش. ۲۱، ص ۴
آدمیت دارای کلمات طیبیه خاص است و از الواح قوانین (شماره‌های روزنامه قانون) باید به شدت مراقبت شود که اشخاص نالایق یا آنان که اقرار به آدمیت کرده‌اند، به آن نزدیک نشوند.
چون یکی از علایم ظاهری آدمیت علاوه بر بعضی کلمات طیبیه قرائت و داشتن الواح قوانین است باید منتهای دقت بعمل بیاورید که اشخاص نالایق نزدیک این الواح نیایند. ش. ۱۳، ص ۴

مضمون ابر فراگیر «اصلاح ایران با جامع آدمیت»

همانطور که گفته شد در جایی که چند مضمون فراگیر کشف شود و هر کدام دارای شبکه گسترده‌ای از مضامین پایه و سازمان‌دهنده باشد، در نسخه‌های پیشرفته‌تر روش اتراید استرلینگ، می‌توان با شبکه کردن مضامین فراگیر، یک «مضمون ابر فراگیر» استنتاج کرد. این مضمون می‌تواند کلیت مضمونی روزنامه قانون را در یک مضمون نشان دهد. با توجه به حجم شبکه‌ها و ارتباط و در هم تنیدگی مضامین و شبکه‌ها، در روزنامه قانون بیشتر تاکید کیفی و کمی بر آدمیت است که تشکیلات آن را جامع نامیده است. ترکیب‌های بسیار زیاد و متنوع که با واژه آدمیت در این روزنامه و شبکه‌های مضمونی آن آمده (بیش از ۲۸ ترکیب) و درباره هیچ واژه و مضمون دیگری، حتی واژه قانون، چنین تاکید و وجود نداشته است، خود گویای اهمیت و جایگاه اصلی آن در روزنامه قانون است. ترکیب‌هایی از قبیل «جماعت آدمیت»، «امین آدمیت»، «کتاب آدمیت»، «اصول آدمیت»، «ترویج آدمیت»، «عالم آدمیت»، «خادم آدمیت»، «اتحاد آدمیت»، «روح آدمیت»، «اتفاق آدمیت»، «سلک آدمیت»، «قدرت آدمیت»، «اجتهاد آدمیت»، «سلسله آدمیت»، «جامع آدمیت»، «انوار آدمیت»، «دایره آدمیت»، «آداب آدمیت»، «فضایل آدمیت»، «حقایق آدمیت»، «شرافت آدمیت»، «طریقت آدمیت»، «ابواب آدمیت»، «آفتاب آدمیت»، «مبادی آدمیت»، «دولت آدمیت»، «جوهر آدمیت»، «آستان آدمیت» و ... در جامع آدمیت هم مسئله قانون‌خواهی و هم اصلاح ایران و سیاست آن دنبال می‌شود؛ از همین‌رو، با توجه به شبکه میان مضامین فراگیر، مضمون ابر فراگیر به صورت زیر شکل می‌گیرد:



نمودار شماره ۶: مضمون ابر فراگیر «اصلاح ایران با جامع آدمیت»

نتیجه گیری

با تحلیل مضمون روزنامه قانون، چهار شبکه مضمونی «ایران: محوری ترین دغدغه»، «قانون خواهی: مهمترین مطالبه»، «حکومت: تقدیس پادشاهی و تخریب دولت»، «آدمیت: ترکیب آموزه و سیاست» توصیف شد. این چهار شبکه در قالب مضامین سازمان‌دهنده‌اش، با استفاده از مضامین پایه و قطعات متنی تجزیه شده تشریح و تفسیر شد. با تحلیل شبکه‌ها مشخص گردید دغدغه اصلی روزنامه قانون اصلاح مشکلات و مصائب ایران است که سطح اصلاح را هم بیش از همه در سطح حکومت و دولت می‌داند، البته با تمایزی که میان پادشاه و دولت (یا وزرا) قرار می‌دهد، ضرورت اصلاح را بیش از همه ناظر به دولت (به خصوص وزیر دربار) می‌داند. مهمترین چالش دولت را هم بی‌قانون بودن آن می‌داند، از همین‌رو، سراغ راه حلی می‌رود که این چالش بزرگ برطرف شود. راه حل آن تشکیل جامع آدمیت است. جامع آدمیت تشکیلاتی است که بیشتر از همه دارای آموزه‌ها و توصیه‌های اخلاقی و رفتاری

است؛ اما نوک پیکان این آموزه‌های اخلاقی و رفتاری، سیاست و حکومت است. با تحلیل این چهار شبکه فراگیر، مضمون ابرفراگیر «اصلاح ایران با جامع آدمیت» شکل گرفت. این مضمون نشان می‌دهد که روزنامه قانون را می‌توان در یک جهت گیری مشخص و با ویژگی‌ها خاص خود تعین بخشید.

یک خط تحلیلی در روزنامه قانون این است که تمامی اصلاحات پیشنهادی، همه ایده‌های ترقی و حتی قانون‌خواهی به عنوان مهمترین مطالبه در یک تشکیلات مخفی که بیشتر بر آموزه‌های اخلاقی و بدون هر گونه تاملات نظری و فکری است استوار است. مهمترین چالشی است تاریخ ایران با آن مواجه است. فقدان تاملات نظری در باب قانون، ترقی، سیاست، مردم، اتحاد، اسلام، و ... که روزنامه قانون به آنها ورود موضوعی کرده است از ویژگی‌ها روزنامه قانون است. با اینکه روزنامه در لندن چاپ می‌شد اما از تحولات فکری اروپا در آن چندان خبری نبود.

اگر مقایسه‌ای میان روزنامه قانون و رساله یک کلمه مستشارالدوله صورت گیرد، کاملاً مشخص می‌شود، که تاکید اصلی رساله یک کلمه، مباحث نظری میان کدهای قانونی فرانسوی و قانون شرعی دینی است که البته در صحن عمومی جامعه در میان مردم، علما و روشنفکران جای دارد در حالیکه روزنامه قانون چالش نظری میان قانون عرفی و شرع دینی را کاملاً از بین می‌برد و چنان آنها را اینهمان می‌داند گویی هیچ تحول فکری در قرون ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ اروپا رخ نداده است؛ و البته صحن عمومی جامعه را رها می‌کند و تنها بخشی از افراد صاحب صلاحیت می‌داند که روزنامه قانون را بخوانند. البته ممکن است این ناشی از ترس از مجازات یا توسط حکومت باشد؛ اما سانسور خودساخته که با یک نوع قشربندی هنجاری «آدم» و «جانور» همراه است امری فراتر از ترس از مجازات است. این امر فراتر را می‌توان در اطلاق خصوصیات ماورائی به جامع آدمیت همچون تقدس و غیب دانی آشکارتر مشاهده کرد.

مطلق گرایی و جزمیت اندیشی خط تحلیلی درگیری است که آن را مطلق بودن ویرانی ایران و مطلق بودن آبادانی دول خارجی از جمله عثمانی و اروپا را نشان می‌دهد. تخریب و تحقیر ایران نیز با تعبیری همچون ایران «ذلیل ترین گروه دنیا» و تقدیس عثمانی همچون «اسلامبول تاج کره زمین» همگی دور از واقعیت و از نگاه جزم اندیشانه برمی آید.

یکی از جزمیت‌های دیگر اینکه آدمیت بنیاد هستی همه ملل دنیا را تغییر داده است. پرسش می‌تواند این باشد که آدمیت چگونه امری است که توانسته این تغییر بسیار بنیادین را سبب شود؟ اگر منظور از آدمیت، تشکل آن در ایران باشد، یعنی جامع آدمیت، بعید است که چنین تغییری رخ دهد. ولی اگر منظور از آدمیت، انسانیت یا انسان گرایی باشد با توجه فضای قرن نوزدهم سراسر اروپا چنین امری توجیه پذیر است. تاثیرپذیری ملکم از فلسفه تحقیق و دین انسانیت آگوست کنت امر آشکاری است که فریدون آدمیت آن را آثار خود تصریح می‌کند: «ملکم در نگارش اصول آدمیت از دین انسانیت آگوست کنت فیلسوف و جامعه شناس عالیقدر فرانسوی الهام گرفت» (آدمیت، ۱۳۴۰، ۲۰۰).

البته ملکم تلاش کرده آدمیت (به معنای دین انسانیت) را کاملاً با دین اسلام هماهنگ کند به گونه‌ای که این تعبیر را دارد که «ما علم علمای اسلام را معلم و مرشد آدمیت خود قرار داده ایم». اما اینکه چگونه تطابق کامل میان آدمیت و اسلام امکان پذیر است پرسش بسیار اساسی است که در روزنامه قانون به آن پرداخته نشده است. البته در طرح مسئله «نبوت شخصی و نبوت جمعی» یک تلاش نظری در روزنامه صورت گرفته است تا انطباق را به نحوه تئوریزه کند ولی این صورت بندی چنان از علمای اسلام دور است که چندان مورد توجه قرار نگیرد.

خط تحلیلی دیگر روزنامه ایجاد دغدغه گسترده قانون‌خواهی است، به نحوی که خواننده، «دولت بی‌قانون» را اهم مشکلات و مصائب ایران می‌داند؛ اما مشکل این است که به‌اندازه کافی و به صراحت به «حکومت بی‌قانون» یا شاه بی‌قانون نمی‌پردازد. با این حال، قانون‌خواهی روزنامه قانون یکی از ریشه‌های تاثیرگذار مشروطه است.

منابع

- استادی، کاظم (۱۳۹۱). ملک‌خان و خطوط آدمیت، پیام بهارستان، سال دوم، شماره ۱۵.
- امیراحمدی، مهران (۱۳۸۱)، راهبران فکر مشروطه، انتشارات دُرسا.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، انتشارات سخن.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴): تشیع و مشروطیت در ایران، انتشارات امیرکبیر.
- زاهد، فیاض (۱۳۸۵). درخشش روزنامه قانون در میان آثار و افکار ملک‌خان، نشریه یاد، شماره ۸۲.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۵). تاملی درباره ایران (جلد دوم): نظریه حکومت قانون در ایران، انتشارات ستوده.
- فوکو، میشل (۱۴۰۱). نظم اشیاء: دیرینه‌شناسی علوم انسانی، ترجمه یحیی امامی، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی کمالی طه، منوچهر (۱۳۵۲)، حکومت قانون، بی‌نا.
- کوزلک، راینهارت (۱۴۰۱)، تاریخ مفهومی، ترجمه عیسی صدیق، انتشارات فرهامه.
- مرادخانی، فردین (۱۴۰۳). مفهوم آزادی در اندیشه میرزا ملک‌خان، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۶۰، صص ۱۸۳-۲۱۶.
- مستشارالدله، یوسف‌خان (بی‌تا). یک کلمه، به کوشش باقر مومنی، بی‌نا.
- ملک‌خان، میرزا (۱۳۵۴)، روزنامه قانون، به کوشش هما ناطق، انتشارات امیرکبیر.
- ناطق، هما (۱۳۵۴)، مقدمه روزنامه قانون، به کوشش هما ناطق، انتشارات امیرکبیر.

Kia, M. (1996). Pan-Islamism in late nineteenth-century Iran. *Middle Eastern Studies*, 32(1), 30-52.

Mano, A. P. (2017). An innovative approach to sex trafficking research: The methodological advancement of attride-stirling's thematic network analysis. *International Annals of Criminology*, 55(1), 40-59.

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.

Algar, H. (2021). *Mirza Malkum Khan: a biographical study in Iranian modernism*. University of California Press.

Abrahamian, E. (2021). *Iran between two revolutions*, Princeton University Press